

اوکراین به چه سمت و سوی می رود؟

امیر ثابتی

(بخش اول)

این روزها اوضاع کنونی کشور بحران زده اوکراین را تنها با بررسی عناصر، تضادها، تشخیص عمده از غیر عمده (اکثریتها و اقلیتها)، عواملی که در حرکت تکامل اجتماعی تاثیرگذار هستند و سمت سوی روندهای تشکیل دهنده آن می توان تجزیه و تحلیل کرد. اوکراین کنونی بطور مداوم پیرایه بغرغ تری را بخود میگیرد، تنوع و گوناگونی تضادها و بحرانهای مالی، تشدید تضاد میان امپریالیسم آمریکا و اروپا از یکسو و از سوی دیگر روسیه الیگارش جملگی به روند افول و سقوط کشور شتاب تازه ای بخشیده اند.

پس از پشت سر گذاشتن یک دوره طولانی درگیریهایی داخلی فیما بین قدرتهای دستنشانده و نیروهای مترقی که شوربختانه ماحصل آن شکست نیروهای مترقی و آزادیخواه و بدست گیری قدرت سیاسی توسط نئو فاشیستهای مورد حمایت امپریالیسم آمریکا، ما همواره شاهدان هستیم که نه تنها دستنشاندهگان امپریالیسم ذره ای از خواسته های مردم را برآورد نکرده اند که هیچ بلکه با وقاحت و یبرحمی تمام وبا استعانت از بیرق پوسیده نئولیبراسیتی خود کمر به غارت هر چه بیشتر منابع مالی کشور و سرازیر نمودن آن به سوی بلوک امپریالیسمی بسته اند! سردمداران ضد بشر موجود در رأس قدرت به بهانه حفاظت از کیان کشور در مقابل هجوم نیروهای روسیه از سمت شرق قرار دادهای کلان خرید جنگ افزار نظامی با دول مپریالیستی منعقد نموده اند که بر مبنای آن میلیونها دلار خرج خرید ادوات مختلف نظامی از ایالات متحده میگردد که شامل تانکها و خودروهایی پیشرفته، انواع سلاح های سبک و سنگین، سامانه های پیشرفته موشکی و همچنین ارسال تجهیزات ضد سایبری میباشد، بطور حتم کلیه این موارد گویای این واقعیت است که ریشه های هرز سازمان اتلانتیک شمالی (ناتو) بیشتر و بیشتر در حال نزدیکی و تنیده شدن به مرزهای فدراسیون روسیه میباشد و خطر بروز یک جنگ مرگبار و تمام عیار و بدتر از آن وقوع زمستان اتمی را بیش از پیش پرنگتر میسازند





حال در این میان این طبقات زحمتکش و ملت ستمدیده کشور هستند که تابان این وقایع شوم را پس میدهند، بر طبق آخرین رویدادها اخیرا جمعیت کثیری از بازنشستگان شهر "خرسون" واقع در جنوب کشور بدلیل کاهش فاجعه بار مزایای بازنشستگی در مقابل وزارت کشور دست به تحصن و اعتراض زدند! اعتراض آنها مبنی بر اینکه دولت دستشانده فعلی به هیچ یک از خواسته ها آنها که شامل افزایش حقوق بازنشستگی و همچنین تغییرات عمده در وضعیت بیمه های درمانی و غیره می بوده جامه عمل نپوشانده که هیچ بلکه با وقاحت تمام با توجه به اینکه تورم سرسام آوری اقتصاد کشور را فرا گرفته است به حقوق آنها حتی ذره ای افزوده نگردیده است! و این قشر مظلوم و بی دفاع را با مشکلات عمده ای روبرو ساخته است .





با توجه به گذشت ۵ سال از انتخابات ریاست جمهوری کشور پس از وقایع یورومیدان که حاصل آن به قدرت رسیدن "پیتر پروشنکو" ریس جمهور دست نشانده امپریالیسم غرب بود مردم کشور با موج شدیدی از مشکلات اقتصادی روبرو گشته اند بر طبق آخرین مصوبه اعمال شده از سوی دولت و مجلس قلابی کشور بودجه عظیمی بمنظور انجام اصلاحات در کشور که در اس آن انجام اصلاحات در بخش های بهداشت، درمان، فرهنگ، آموزش، راه و ترابری تخصیص داده شده بود که در حقیقت این بودجه عظیم که البته از طریق صنوق بین المللی پول و همچنین مؤسسات مالی کشورهای اتحادیه اروپا دریافت شده بود توسط سردمداران جدید المنسوب دولت جدید به غارت برده شد! و همچنین مابقی سرمایه های موجود در خزانه دولتی نیز در پی زد و بند های غیر قانونی و به بهانه خدمت به مردم و کشور توسط غولهای الیگارشی تصاحب گشت.



در پی پرسش و پاسخ هایی که از سوی رسانه های دولتی و جراید به اشخاص ذیربط اعمال گشت توجیه آنها بدین شرح بود که بخش کثیری از این منابع مالی بمنظور حفظ حاکمیت ارضی کشور در مقابله با حملات احتمالی فدراسیون روسیه و همچنین جلوگیری از تجزیه مابقی استانهای شرقی کشور مصروف خرید ادوات نظامی و توسعه ارتش ملی کشور شده است، آیا غیر از این است که این پولهای هنگفت فقط بمنظور گسترش حوضه تجاوزگرانه سازمان اتلانتیک شمالی (ناتو) به سمت مرزهای روسیه صورت گرفته است؟ آیا در این میان قابل باور است که امپریالیسم آمریکا برای ملت اوکراین دایه مهربانتر از مادر شده است؟

در اینجا به نقل قول کوتاهی از "پاول رودیاکوف" (تصویر پایین) که از چهره های سرشناس سیاسی اوکراین میباشد در هفته نامه موسوم به استدلال و حقایق (بروسی) (Аргументы и Факты) اشاره میکنیم، او به این مسئله اذعان نموده که:



"در شرایط فعلی که ایالات متحده در حال دست و پا زدن بمنظور به همراه کشیدن اوکراین به همراه خود در سازمان ناتو است دول اروپایی فاقد یک اتفاق نظر مشترک در این خصوص میباشند، فرانسه در انتظار یک پاسخ قطعی از طرف همسایه خود آلمان است! آلمانها یک مکث طولانی مدت را اختیار کرده اند که بدون تردید این بسته به سر کار آمدن کابینه جدید و تغییر رویه در روابط خارجی در آن کشور و روابط مستحکمی که از لحاظ اقتصادی و سیاسی با روسیه دارد میباشد، اما در نهایت آلمانها نیز باید به خواسته های آنان تن در دهند، خواسته هایی که در جهت منافع طبقات حاکم باشد و همچنین بزعم خودشان تشکیل یک انسجام جهانی به محوریت آمریکا که ابتدا در داخل مرزهای اروپا محدود میباشد و سپس در کل جهان!

و اما فدراسیون روسیه در این گیر و دار چه نقشی را بازی میکند؟ بطور حتم روسها چون در حال حاضر نفوذ سیاسی خود در اوکراین را با روی کار آمدن پیتر پروشنکو از دست داده اند تلویحا چشم به انتخابات سال آینده در اوکراین دوخته اند، بلکه حزب موافق و مورد تایید آنها قدرت را در در دست گرفته و معادله بشکل دیگری رقم بخورد و این خود از موارد بسیار مهمی بود که اوکراینی ها بوضوح در "اجلاس مینسک" به آن اشاره نمودند و ماحصل آن چیزی نخواهد بود به غیر از امحا نمودن احزاب و گروه های مخالف دولت فعلی خصوصا آنهایی که از گرایشات ضد غربی برخوردار بوده و از هواداران روسیه میباشند".



هم اکنون سوال گردن کلفت اینجا سر بر می آورد که اگر امپریالیستهای امریکا نگران زیاده خواهی های فدراسیون روسیه میباشد پس چرا خود استین ها را بالا نزده و بقول معروف دست در داخل جیبهایشان نمی کنند؟ چرا این بودجه های عظیم نظامی که شامل تولید و خرید جنگ افزارهای نظامی و همچنین تشکیل یک نیروی عظیم انسانی (سرباز) میباشد باید از جانب ملت ستم دیده اوکراین باشد؟ چرا کارگران زحمتکش کشور باید مخارج و هزینه های هنگفت موارد ذکر شده را برعهده گیرند؟ یک خانواده کارگری که با حداقل کار مزدی در حالی که قادر به سیر کردن شکم فرزندان خود نمی باشد چه منفعتی از عضویت اوکراین در سازمان متجاوز ناتو خواهد برد؟ در این شرایط بحران زده کشور و رکود شدید اقتصادی و بیکاری که ملت و بخصوص قشر جوان کشور را همچون باتلاقی مرگبار به درون خود میکشد، عناصر

بورژوازی حاکم بر کشور در حال اغوای نیروی جوان برای جذب آنها به ارتش استبدادی و نفوفاشیستی میباشند و به آنها قول مستمری بالا و مزایای اقتصادی را می دهند و جوانان بخت برگشته غافل از اینکه چه سرنوشت شومی در انتظار آنها خواهد بود به سادگی در دام آنها فرومی افتند، آنها نمی دانند که امپریالیسم خواستار آن است که از آنان ماشینهای جنگی بسازد و آنها را همچون گلاادیاتورهای موحش ایزار قتل و چپاول ملتهای دیگر ساخته و خود نظاره گر این وقایع گردد، بطور قطع در این میان سودههای کلان مالی که نصیب بورژوازی غرب میگردد قابل توجه است، بدین معنا که متوسط سرانه مستمری یک سرباز اوکراینی با توجه به سقوط شدید ارزش پول ملی کشور (گريونا) در مقابل دلار و یورو به هیچ عنوان قابل مقایسه با حقوق و مزایای یک سرباز آمریکایی و یا اروپایی نمیشد، که با این اوصاف مازاد این هزینه ها که از قیمت ارزان سربازان اوکراینی بوجود می آید به داخل جیب سرمایه داران می رود که البته تعجبی هم ندارد چون کاملاً اجتناب ناپذیر است که سرمایه داری خود انسانها را نیز تبدیل به کالا میکند.

گفتنی است که اکثر غریب باتفاق سربازان فراخوانده شده به ارتش استبدادی از طبقات محروم جامعه و لومپنهای بزهدار، سارقین و خرده فروشان مواد مخدر هستند که با آموزشهای فاشیستی درجه داران و مریبان آمریکایی و کانادایی مشغول به خدمت میباشند که البته تعداد بسیاری از آنها را جهت رویارویی با جدایی طلبان شرق کشور که منطقه موسوم به دانباس است اعزام میگردانند و یا اینکه آنها را برای حملات اتی خود به مناطق مختلف جهان دخیره میگردانند.

در نهایت و در عمق این فجایات تنها و تنها این ملت اوکراین هستند که قربانی اصلی خواهند بود و سرنوشتی تیره و تار در انتظار آنها خواهد بود چرا که سرزمین آنها محل جدال ابر قدرت های امپریالیستی شده است و چه بسا که سرنوشتی مشابه یوگسلاوی سابق در انتظار آنان باشد.

